

ملاقات دوم

روز سوم جشنواره اختصاص به شعر خوانی و سخنرانی شاعران ایرانی داشت. در این روز به ترتیب علی باباچاهی، شمس لنگرودی، حافظ موسوی، پگاه احمدی و رضا مرادی شعر خوانی کردند، و رضا خندان به خواندن یک مقاله پرداخت. فردای آن روز، خبر دادند که ملاقاتی با "شیرکو بیگس"، شاعر بزرگ کرد گذاشته شده و قرار است به دیدنش برویم.

"شیرکو بیگس" بزرگترین شاعر معاصر کرد است که شعرهایش به زبان‌های مختلفی از جمله فارسی ترجمه شده، و نام او با شعر امروز کردستان عجین شده است. به دیدنش رفتیم. محل ملاقات دفتر کار او بود. یادم نیست در آسانسور دکمه طبقه چندم ساختمان را فشار دادیم، ولی وقتی آسانسور ایستاد، در مقابل آپارتمانی قرار داشتیم که اتاق انتظار آن بی شباهت به مطب پزشکان نبود. شمس بود و حافظ، پگاه بابا چاهی، هانا، من و مریوان حلبچه ای.

مریوان، جوان بی ادعا و محجوبی که دانشجوی خبرنگاری است، با آشنایی و تسلطی که به هر دو زبان فارسی و کردی دارد، به ترجمه داستان‌ها و شعرهای شاعران و نویسندگان هر دو زبان پرداخته و از این طریق منشأ خدمات ارزنده ای به ادبیات هر دو زبان شده است. این جوان بی توقع در تمام مدت به عنوان راهنما و مترجم، همراه ما در این سفر بود و در هر لحظه هر کاری که در توانش بود، برای همه ی ما انجام داد. حیف که دم بازگشت بی رحمانه او را مورد بی مهری قرار داده و از این که در ترجمه بعضی از شعرهایمان و تکثیر و توزیع آن‌ها بین حاضران در جلسه شعر خوانی سرعت عمل به خرج نداده و در بعضی موارد دقت لازم را نداشته، شمتانت نموده، و او را با چهره‌ای سرخ و غمگین ترک کردیم. بگذریم.

در اتاق انتظار نشستیم. منشی ظرف آب نباتی را تعارف کرد. بیکار ماندیم. انتظار ده دقیقه‌ای طول کشید. بعد وارد اتاق لوکس و بزرگی شدیم، که کم از یک آپارتمان سه خوابه نبود. در انتهای آن و در یک فرورفتگی، میز کاری به اندازه یک اتاق دیده می‌شد، که مرد نسبتاً چاقی پشت آن نشسته و سیگار در دست داشت، و با موبایل حرف می‌زد. یکی یکی جلو رفتیم و ضمن معرفی خودمان از ملاقاتشان اظهار خوشوقتی کردیم. او هم برای ما سر تکان داد و ابراز دوستی کرد. آخرین نفر من بودم، که با او دست دادم و سپس همگی نشستیم.

هنوز درست جا به جا نشده بودیم که شیرکو شروع به حرف زدن کرد و مریوان جمله به جمله به ترجمه آن‌ها پرداخت: "... شعرهای من به زبان‌های مختلف ترجمه شده، ولی متأسفانه ترجمه فارسی آن‌ها مورد قبول من نیست و ایرادات زیادی دارد." از این حرف شیرکو در ابتدای ملاقات تعجب کردم. قاعدتاً در بدو ورود اگر از وضع شعر و ادبیات ایران سوال می‌کرد و در ادامه به ترجمه و در نهایت به عدم رضایت‌اش از ترجمه شعرهای خود می‌رسید، قابل قبول تر بود. تا آن جا که میدانم مریوان حلبچه

فراخوان هنرمندان برای شرکت در نمایشگاه های گروهی خوشنویسی، نقاشی و عکاسی

نمایشگاه های گروهی گالری کارون ۲۰۱۰

- نمایشگاه خوشنویسی ۱۶ تا ۳۱ مارچ
گزارش کامل در وب سایت منتشر شده است.

- نمایشگاه نقاشی ۱۵ آپریل تا ۸ می
گزارش کامل در وب سایت منتشر شده است.

- نمایشگاه عکاسی ۱۶ تا ۳۱ می
افتتاحیه ۲۲ می ساعت ۴ تا ۸ عصر
موضوع: آزاد

گزارش کامل در وب سایت منتشر می شود .
- نمایشگاه نقاشی ۲ تا ۱۵ جون

افتتاحیه ۵ جون ساعت ۴ تا ۹ عصر
موضوع: آزاد
نقاشی مدرن

- نمایشگاه عکاسی ۱۷ تا ۲۹ جون
افتتاحیه ۱۹ جون ساعت ۴ تا ۹ عصر

آخرین تاریخ تحویل کار برای شرکت در نمایشگاه ۹ جون ۲۰۱۰
مجموعه‌ای از عکس‌های عکاسی گروهی کلوب عکس کارون از سه برنامه عکاسی در ماه می ۲۰۱۰: فستیوال گل ارکید، شو ماشین‌های قدیمی انگلیسی و محله چینی ها اعضا خارج از ونکوور، که در این زمینه عکس دارند نیز میتوانند عکس خود را برای نمایشگاه ارسال کنند.
کلیه عکاسان علاقمند در ونکوور نیز می‌توانند در این برنامه شرکت کنند.

هنرمندان در ونکوور می توانند آثار خود را برای شرکت در نمایشگاه های فوق ارسال نمایند.
هنرمندان خراج از ونکوور و هنرمندانی که مایلند از ایران کار خود را ارسال نمایند، می توانند ابتدا کار خود را با ایمیل ارسال نمایند و پس از تصویب آن را با پست به کانادا ارسال نمایند. کار ها باید تا قبل از آخرین روز تحویل کار در محل گالری کارون باشند.
هزینه شرکت در نمایشگاه:

۱ - عضویت سالانه گالری کارون مبلغ ۵۰ دلار (۵۰۰۰۰ تومان)

۲ - هزینه گالری برای یک نمایشگاه گروهی: ۶۵ دلار (۶۵۰۰۰ تومان)

کل هزینه هنگام ارائه کارها به گالری نقدی پرداخت می شوند.

هنرمندان خراج از ونکوور که مایلند کار آن ها پس از نمایشگاه پست شود، می بایستی هزینه آن را جداگانه پرداخت نمایند.